

❖ فعالیت های اقتصادی قزاقستان در آسیای مرکزی

مارات ناریبایف x

مقدمه

کدام از آنها مدل رشد اقتصادی خود را با استفاده از پتانسیل اقتصادی حاکم به کار می گیرد. در این رابطه، لازم است موقعیت اقتصادی مشترک کشورهای منطقه و چشم اندازهای توسعه همکاری اقتصادی خارجی بین قزاقستان و این کشور ها را بررسی کرد.

۱. وضعیت توسعه اقتصادی کشورهای آسیای مرکزی، بررسی توسعه اقتصادی سه دولت منطقه آسیای مرکزی - قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان که قزاقستان در حال توسعه روابط اقتصادی با آنهاست، براساس شاخص های اصلی اقتصاد کلان یعنی تولید ناخالص داخلی، سطح تولید صنعتی، سطح تولید در بخش کشاورزی، تجارت خارجی و سطح بیکاری انجام گرفت. دوره مورد مطالعه از سال ۲۰۰۰ تا سپتامبر ۲۰۰۶ را تحت پوشش قرار می داد (از این به بعد تحت عنوان دوره مورد مطالعه از آن یاد می شود)

نتایج اصلاحات بازاری انجام شده و سطح توسعه اجتماعی - اقتصادی جمهوری قزاقستان در دوره ۱۵ ساله اخیر از طرف جامعه بین المللی مورد تأیید قرار گرفته و این کشور موقعیت رهبری را در منطقه آسیای مرکزی بدست آورده است. برای تأمین رشد اقتصادی بیشتر در شرایط جهانی شدن فزاینده و همگرایی بهینه در اقتصاد جهانی در قالب منطقه ای، فعالیت های اقتصادی خارجی کشورها نه فقط در قالب دو جانبه بلکه در قالب های چند جانبه حائز اهمیت می شود. امروزه اولویت های اصلی در فعالیت های موجود در فعالیت های اقتصادی خارجی قزاقستان، فعال سازی تعامل منطقه ای را هدف خود قرار داده اند که ضرورت گسترش و تعمیق روابط اقتصادی خارجی با کشورهای دیگر آسیای مرکزی را می طلبد. علیرغم تاریخ مشترک و دوره خاص استقلال، توسعه کشورهای منطقه آسیای مرکزی مشابه هم نیست و هر

۱. تولید ناخالص داخلی

در دوره مورد مطالعه، تاجیکستان به متوسط رشد تولید ناخالص داخلی بالغ بر ۹/۲٪ رسیده است. علیرغم وضعیت سیاسی داخلی دشوار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی جنگ داخلی، از سال ۱۹۹۷ دوره ای از ثبات داخلی و تجدید حیات اقتصادی آغاز شده است. سطح تورم کنترل شده، مبادله پول تثبیت شده و سطح فقر در حال کاهش است. عوامل رشد سالانه تولید ناخالص داخلی اساسی (حدود ۱۰٪) به ترتیب زیر بود: بازسازی بعد از جنگ، قیمت های جهانی مطلوب برای کالاهای صادراتی عمده، رشد تقاضای داخلی به واسطه افزایش انتقال پول توسط کارگران خارج از کشور، رشد پایین جمعیت و همچنین اصلاحات در نظام اداری دولتی. در عین حال، تاجیکستان با داشتن یک زیر ساخت تخریب شده و سیستم آموزشی و بهداشتی ضعیف، همچنان فقیرترین و توسعه نیافته ترین کشور در میان کشورهای مشترک المنافع است. بخش صنعت GDP با همبستگی بخش های عمده اقتصاد به ترتیب زیر نمایش داده می شود: خدمات ۳۷٪، کشاورزی ۲۹٪، تولید صنعتی ۲۵٪، ساخت و ساز ۵٪، حمل و نقل و ارتباطات ۴٪. در ازبکستان رشد متوسط GDP برای دوره سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ بالغ بر ۵/۵٪ بود. چنین روند پویایی در وهله اول در اثر توسعه صنعت کشاورزی، تولید صنعتی، حمل و نقل و ارتباطات حاصل شد. در عین حال، رشد در مجموع گسترده بود و به واسطه استخراج منابع معدنی، از جمله فلزات کمیاب گاز و نفت حاصل شد. در ساختار GDP، تولید و ساخت و ساز به ترتیب ۱۶٪ و ۷٪، حمل و نقل و ارتباطات ۸/۵٪ بالغ شد. بخش خدمات با ۳۴٪ و کشاورزی ۳۴٪ بخش عمده حجم GDP این جمهوری را تشکیل می دهد. همچنین متخصصان بین المللی بر سطح بالای

فقر و کاهش شدید سطح اصلاحات اقتصادی در این کشور تأکید می کنند.

در قرقیزستان رشد متوسط GDP، ۸/۳٪ بود در حالی که کاهش این شاخص در سال ۲۰۰۵، ۶٪ بود. کاهش اساسی تولید GDP در دوره مورد مطالعه با موارد زیر تعیین شد:

قبل از هر چیز، با تحولات سیاسی داخلی مشهور در این کشور در سال ۲۰۰۵ ثانیاً، کاهش شدید تولید طلا، مواد ساختمانی و سایر موادی که برای اقتصاد این کشور مهم بودند، انواع محصولات و نیز کاهش حجم خدمات در سال ۲۰۰۵ (در ساختار بخش تولید GDP سهم ساخت و ساز به ۲۵٪ می رسد، در حالی که حمل و نقل و ارتباطات فقط به ۱/۳٪ بالغ می شود).

ثالثاً در میان مدت، تضعیف یک بخش واقعی به واسطه ساختار ناکارآمد اقتصاد وجود دارد.

۲. تولید صنعتی

در ازبکستان متوسط رشد تولید در دوره مورد مطالعه به ۷/۸٪ بالغ شد. این رشد به لطف استخراج و فرآوری منابع طبیعی، از جمله فلزات کمیاب و با ارزش و نیز هیدروکربن ها میسر شد. استخراج گاز، نفت، زغال (بیش از ۳ میلیون تن در سال) ادامه دارد.

موارد زیر، صنایع تولیدی را تشکیل می دهند: صنایع شیمیایی نفت، ماشین سازی، هواپیمایی، الکترونیک و صنایع غذایی.

قرقیزستان در دوره مورد مطالعه، افتی محسوس در تولید با ۶٪ در آغاز دوره و ۱۱/۴٪ در پایان دوره داشته است. دلیل این افت محسوس در پایان دوره، کاهش شدید حجم تولید (۲/۳٪)، مواد ساختمانی (۲۳٪)، در بخش استخراج (بیش از ۳۰٪) و صنایع غذایی (۳/۲٪) بوده است. در عین حال، رشدی نامحسوس در تولید صنایع نساجی، تولید مواد فنی لاستیکی و توزیع انرژی الکتریکی وجود داشته است.

تولید کشاورزی: تولید کشاورزی به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادهای منطقه آسیای مرکزی باقی مانده است. انجام اصلاحات نهادی در این صنعت که در آغاز به شکل کمک‌های نقدی و به هدف اعمال تغییراتی در وضعیت تولید کنندگان کشاورزی بود تا شکل غیر دولتی تولید رواج پیدا کند، به یک گذار اقتصادی دشوار منجر شده است. تحلیل‌های مربوط به توسعه تولید در بخش کشاورزی برای دوره مورد مطالعه در کشورهای مورد مطالعه نتایج زیر را نشان داده است:

در تاجیکستان رشد بالغ بر ۱۰٪ بالغ شد. کشاورزی ۶۵٪ از تمام تولیدات ناخالص را در تولید وابسته کشاورزی تشکیل می‌دهد. پنبه مهم‌ترین قلم‌نه فقط در تولید بلکه در صادرات است که به واسطه مشخصات کیفی آن در جهان شناخته شده است. مهم‌ترین انواع محصولات در حال کشت این کشور عبارتند از: گندم، سیب‌زمینی، انگور و سبزیجات و میوه‌های دیگر. انواع محصولات فنی عبارتند از: تنباکو، کائوچو و گل‌شمعدانی، همچنین پرورش گاو گوشتی و شیری و گوسفند گوشتی و پشمی در حال توسعه است.

در ازبکستان، رشد متوسط تولید کشاورزی به ۶/۳٪ در دوره مورد مطالعه بالغ شد. صنعت این کشور تحت سلطه کاشت محصولات است که ۵۵٪ از تمام تولید کشاورزی را تشکیل می‌دهد.

این کشور در تولید پنبه خام تخصص یافته است و تولید سالانه آن به ۴ میلیون تن بالغ می‌شود که قسمت عمده آن صادر می‌شود. در بخش کاشت، محصولات عمده عبارتند از: برنج، سبزیجات، کنف، انگور و میوه‌جات.

رشد متوسط قرقیزستان در صنعت به ۳/۱٪ (۳٪) در آغاز و ۲/۸٪ در پایان دوره مورد مطالعه) بالغ شد. افت حجم تولید کشاورزی در پایان دوره در وهله اول به

رشد قابل توجه قیمت‌های سوخت دیزلی مربوط می‌شود.

صنایع عمده بخش کشاورزی به عنوان بخش عمده ساختار GDP این جمهوری عبارتست از: پرورش گوسفند، پرورش اسب، کاشت پنبه و تنباکو، تولید سبزیجات مختلف، انواع گیلاس و زنبور داری. وجود منابع آبی غنی، عامل مطلوب توسعه تولید کشاورزی است. حدود ۶۰٪ از اراضی، آبیاری می‌شوند.

۳. تجارت خارجی

بر طبق داده‌هایی که کمیته آماری GIS ارائه کرده است، فعالیت‌های تجارت خارجی قرقیزستان و تاجیکستان در طول دوره مورد مطالعه، در مجموع پویای مثبتی را در توسعه CIS و تجارت با سایر کشورها نشان می‌دهد. با این وجود، در رابطه با کشورهای «خارج دور» سطح رشد حجم مطالعات صادرات و واردات بیشتر بوده است.

در دوره مورد مطالعه، در قرقیزستان رشد صادرات به کشورهای CIS و خارج دور به ترتیب ۱۲/۴٪، ۶/۴٪ رسید. در تاجیکستان شاخص مذکور به ترتیب ۱/۹٪ برای کشورهای CIS و ۱۵/۷٪ برای خارج دور بود.

حجم معاملات واردات در قرقیزستان در چهارچوب CIS برای دوره مورد مطالعه به متوسط ۲۲/۱٪ و با کشورهای خارج دور به ۱۲/۵٪ افزایش یافته است. در تاجیکستان، شاخص مذکور در تجارت با کشورهای CIS 13٪ و با کشورهای خارج دور ۲۳/۷٪ بوده است.

تغییرات خاصی در ساختار جغرافیایی تجارت خارجی کشورهای مورد بررسی ایجاد نشده است. شرکای تجاری اصلی در خارج دور به صورت سستی به شکل زیر باقیمانده است: برای قرقیزستان، چین، امارات و سوئیس؛ برای تاجیکستان، هلند و ترکیه. در دوره مورد

مطالعه، فقط قرقیزستان با کشورهای خارج دور کاهش تجارت داشته است.

۴. سطح بیکاری

سطح بیکاری بر توسعه اقتصادی هر کشور تأثیر می‌گذارد. در مجموع، در دوره مورد مطالعه کاهش اندکی در سطح بیکاری در قرقیزستان و تاجیکستان وجود داشته است.

بر اساس داده‌های خدمات اشتغال ملی، تا پایان سپتامبر ۲۰۰۶ بیش از ۷۳/۸۰۰ هزار بیکار در قرقیزستان وجود داشت. این رقم در تاجیکستان ۴۷/۲۰۰ نفر بود. گرچه سطح واقعی بیکاری بر اساس نظر متخصصان به طور متوسط ۳/۵ برابر بالاتر از آمار دولتی است. براساس تحلیل‌های متخصصان مختلف میزان بیکاری در ازبکستان به ۱/۵ تا ۳ میلیون نفر بالغ می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری

در پایان باید متذکر شد که در مجموع، رشد اقتصادهای قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان منوط به کشف مواد خام متنوع و غنی بوده است. در عین حال، تفاوت قابل توجهی در سطوح رشد اقتصادی و اصلاحات بازار وجود دارد.

منافع قزاقستان به عنوان یک رهبر منطقه‌ای در تأمین ثبات و رشد پایدار بیشتر منطقه آسیای مرکزی در مجموع به ضرورت پیدا کردن راهها و چشم‌اندازهای توسعه سایر کشورهای منطقه گره خورده است. واقعیت‌های امروز نشان می‌دهند که بنا کردن یک ساختار اقتصادی متنوع و مؤثر در کشورهای این منطقه در کوتاه مدت به طور مستقل امکانپذیر نیست. تمام این شواهد نیاز به توسعه و تعمیق همکاری درون منطقه‌ای را نشان می‌دهد.

حوزه‌های اولویت دار همکاری اقتصادی خارجی بین قزاقستان و کشورهای آسیای مرکزی در حال حاضر، منافع اقتصادی قزاقستان بر یک هدف استراتژیک

استوار شده است. قزاقستان در دهه آینده به ۵۰ کشور رقابتی جهان می‌پیوندد که به این منظور لازم است از اقتصاد منطقه‌ای بهره‌برداری کند. به نظر من، اولویت‌های این عرصه به ترتیب زیر است: مدرنیزاسیون و ماهیت پویایی اقتصاد؛ دستیابی به رشد سریع که در وهله اول به عامل نوآوری صنعتی منوط است و توسعه زیرساخت‌ها و بخش خدمات.

جنبه مفهومی سیاست اقتصادی مدرن باید در فرآیند متنوع‌سازی اقتصاد توسط توسعه فرایند تولید باقی‌ماند که این موارد را امکانپذیر می‌سازد:

قبل از هر چیز، بهره‌برداری مؤثرتر از منابع بالقوه کشور و تأمین رشد اقتصادی بر اساس آن؛ ثانیاً، انجام تحولات کیفی در اقتصاد به وسیله توسعه مترکم بخش‌داری در صنایع مختلف تولیدی.

در برنامه عمده در این رابطه (استراتژی توسعه فن‌آوری صنعتی تا سال ۲۰۱۵) به تأمین متنوع‌سازی تولید و رشد بیشتر صادرات کالاهای با ارزش افزوده بالا اجازه ظهور می‌دهد. در چهارچوب استراتژی توسعه، اولویت به بخش‌های انرژی، متالورژی، تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات خواهد بود.

منافع اقتصادی قزاقستان متضمن دستیابی به استانداردهای جهانی کیفیت تولید قزاقستان است. در چهارچوب دیدگاه خوشه‌ای (cluster approach) که در سال ۲۰۰۴ برای کمک به این فرایند مطرح شد، باید تلاش‌ها را در جهت جذب منافع نمایندگان محافل تجاری شرکای منطقه‌ای در بخش‌های اقتصادی از قبیل متالورژی، لجستیک، حمل و نقل، نساجی، تولید مواد غذایی و خدمات گردشگری هدایت کرد.

از منظر اقتصادی قزاقستان، همکاری با منطقه آسیای مرکزی باید بر جنبه‌های زیر متمرکز شود:

۶. راهکارها

۱. ایجاد منطقه آزاد تجاری در آسیای مرکزی.

۲. اجرای یک سیاست مورد اجماع برای اصلاحات بازار.

۳. همگرایی در حوزه انرژی برق و منابع سوخت، حمل و نقل و بخش تولید کشاورزی.

۴. ایجاد شرکت های با مالکیت مشترک در چهار چوب پیاده سازی استراتژی توسعه نوآوری صنعتی.

۵. تولید مشترک محصولات رقابتی با جهت گیری صادراتی در چهارچوب مجتمع های خوشه ای ایجاد شده.

۶. استفاده از توان بالقوه حمل و نقل ترانزیت منطقه.

۷. تشکیل بازار مشترکی از کالاها و خدمات.

۸. تربیت کارکنان با کیفیت برای کار در شرایط همگرایی منطقه ای.

۹. حل و فصل مشکلات زیست محیطی و حفظ محیط طبیعی.

۱۰. ارائه مدیریت بهینه و بهره برداری از منابع آبی.

در این رابطه، همکاری در زمینه های فوق الذکر باید از طریق انواع همگرایی منطقه ای در چهارچوب تشکیل « اتحادیه کشورهای آسیای مرکزی » انجام گیرد. این امر به افزایش رقابت پذیری، تأمین رشد اقتصادی منطقه، افزایش سطح امنیت و ادغام بهینه تر در اقتصاد جهانی منجر خواهد شد. در عین حال، اهداف فعالیت های اقتصادی خارجی با منافع استراتژیک کشور ما متجانس است.

● پژوهشگر مؤسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان

وابسته به ریاست جمهوری

